

مقایسه‌های تحلیلی بر پوشاک رایج در دوره هخامنشی با دوره ساسانی

مهرناز بهروزی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران. mehrnaz_behroozi@yahoo.com

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

چکیده

نوع پوشش همواره یکی از مظاهر مهم در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری بوده است. قدیمی‌ترین شواهد فیزیکی و ملموس نوع پوشاک در شهر سوخته سیستان از هزاره سوم قبل از میلاد به دست آمده است که بیانگر استفاده از پارچه و لباس در ایران از همان دوره پیش از تاریخ بوده است. دوران امپراطوری‌های هخامنشی و ساسانی به عنوان عصر طلایی تمدن ایران، با توجه به وسعت قلمرویشان و وجود ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، و پیرو آن تنوع پوشش در این دو دوره، به عنوان مهم‌ترین دوران تاریخی پیش از اسلام، همواره مورد توجه بوده است. به این ترتیب هدف پژوهش در این مقاله، تطبیق و تحلیل پوشاک رایج این دو دوره است. این پژوهش با رویکرد مطالعه تحلیلی - توصیفی به بررسی پوشش در دوره هخامنشی و ساسانی پرداخته و با بهره‌گیری از منابع موجود، پوشاک مورد استفاده در این دو دوره را معرفی نموده است. یافته‌های باستان‌شناختی، سنگ‌نگاره‌ها، کتیبه‌ها، نقش مهرها و دیگر آثار موجود بیانگر آن است که تن‌پوش‌ها، نشان‌دهنده جایگاه و منزلت اجتماعی، اقتصادی و شغلی افراد بوده و همچنین جنسیت، مذهب و به ویژه شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه در نوع پوشش افراد تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: ایران باستان، مقایسه تحلیلی، پوشاک زنان و مردان، دوره هخامنشی، دوره ساسانی.

۱. مقدمه

پوشاک از ضروری‌ترین نیازهای بشری در طول تاریخ بوده است که در طول سالیان دراز به دلایل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. جنس، رنگ، شکل و طرح یک پوشاک و تزینات مرتبط با آن، نه تنها انسان را در برابر عوامل طبیعی حفظ می‌کند، بلکه به صاحب آن ارزش اجتماعی ویژه‌ای می‌بخشد. ایرانیان در هزاره‌های باستانی تاریخ خود، برای پوشاک و آرایش اهمیت زیادی قائل بودند و تلاش و کوشش خود را جهت دوخت جامه‌های زیبا و زیورهای گوناگون به کار می‌بردند. بر اساس آثار مکشوفه از شوش چنین برمی‌آید که نخستین پارچه‌ها در حدود چهار هزار سال پ.م در شوش بافته شده‌اند (غیبی، ۱۳۸۸: ۳۰). همچنین، بر اساس نقوش مهرهای هزاره چهارم قبل از میلاد در محوطه چغامیش و شوش، پارچه‌بافی به عنوان یک حرفه صنعتی مطرح بوده است (Amiet, 1972). بر اساس همین (Delougaz and Kantor, 1996). بر اساس همین کشفیات، زنان هنر ریسندگی و بافندگی را می‌دانسته‌اند و لباس‌هایشان پشمی، پوستی و با نقوشی به اشکال مختلف، خطوط موازی یا منحنی و با شرابه‌هایی تزئین شده است. همچنین در کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در شهر سوخته سیستان از هزاره سوم ق.م، لباس‌های دو رنگی به صورت قطعات پارچه‌های بافته شده به دست آمده است (ملکزاده، ۱۳۷۵: ۱۲۲-۱۲۵).

دوران هخامنشی و ساسانی به عنوان مهم‌ترین دوران تاریخی پیش از اسلام از منظر نوع پوشش، همواره مورد توجه محققان قرار گرفته است. بررسی انواع پوشاک این دوران و پوشش طبقات اجتماعی مختلف به ویژه هنر پوشاک عصر ساسانی از نظر رنگ و نقش پارچه از جمله مواردی است که اطلاعات مهمی به دست می‌دهد. از نکات بسیار جالب توجه در پوشاک مردان و زنان ایران باستان، الگوهای زیبا، رودوزی‌های چشم‌نواز و انتخاب رنگهای بسیار جذاب بوده که با خصوصیات اقلیمی ایران هماهنگ است. مانند انتخاب رنگ آبی ایرانی^۱ در دوره‌ی هخامنشی و ساسانی برای پیراهن و شلوار است. از آنجا که در پوشاک دوران مذکور جز در طبقاتی خاص (نوازندگان و رقصندگان)، برهنگی کمتر مشاهده می‌شود و لباس‌ها از وقار و متانت کافی برخوردار هستند. از این رو پوشاک دوران ایران باستان، الگویی برای لباس‌های دوران اسلامی گردید و چنانچه در دوره‌های آغازین اسلام تغییراتی در پوشاک ایرانیان ایجاد نشد. بررسی نوع پوشش ایرانیان در دو دوره مهم هخامنشی و ساسانی از جمله مواردی است که این پژوهش‌ها بدان پرداخته است و این سوال اساسی را مطرح می‌کند که پوشش رایج در دوره هخامنشی و ساسانی دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع پژوهش کتب و مقالاتی ارائه شده‌اند که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود. قدیمی‌ترین

^۱ Persian Blue

تشکیل می‌شده می‌توان با بررسی نقوش برجسته و مهرها، این نکته را دریافت. «بر اساس دو نقش برجسته که مرد پارسی آستین بر شانه انداخته و در زیر آستین تن برهنه اش پیداست و مهرهای مکشوفه اینطور به نظر می‌رسد که دو تکه بودن لباس فراخ پارس‌ها مقبول تر است. همچنین بر اساس مهر مکشوفه‌ای که پادشاهی را در جدال با دو شیر نشان می‌دهد که پادشاه دامن و جلیقه پوشیده، پیداست این دو از هم جدا هستند» (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۵۷). بر این اساس دو تکه بودن لباس آنان می‌تواند به واقعیت نزدیک‌تر باشد (شکل ۱).

۳-۱. پوشاک مردان

پوشاک مردان شامل پیراهن رو، کندیس، شنل، زیر شلواری، کمر بند بود (غیبی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). لباس پارسیان بر اساس آنچه بر روی مدارک سنگی به دست آمده عبارتست از یک بالا پوش شبیه شنل و یک دامن پرچین که خود دونوع است. بالا پوش و دامن در روی کمر دارای یک کمر بند چرمی است بالا پوش گاهی جلو باز و گاهی جلوبسته و یقه ۷ است بالا پوش جلو باز روی چال گردن به وسیله دگمه ای به هم می‌پیوندد (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۳۸).

۳-۱-۱. لباس

لباس بلند و پرچینی که همواره در نگاره‌های تخت جمشید به چشم می‌خورد و شاه نیز آن را برتن دارد لباس مشخص هخامنشی است. کوروش این لباس را از مادی‌ها برگرفته و تمامی کارکنانش را متقاعد ساخته که آن را بپوشند زیرا اعتقاد داشت این لباس نقص بدن را می‌پوشاند (گزنفون، ۱۳۹۲: ۲۳۴). مجسمه داریوش

کتاب در زمینه پوشاک، کتاب تاج اثر ابو عثمان عمرو بن جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ ه.ق) است. در این کتاب درباره طبقات ساسانیان، پوشاک و آداب باریافتن به حضور پادشاه مطالبی عنوان گردیده است. کتاب پوشاک در ایران زمین (۱۳۸۳)، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا اثری است مرجع که دارای تصاویر خوبی در ارتباط با پوشاک است. اما در هیچ بخشی از این مجموعه به بررسی تطبیقی پوشاک باستانی ایران، نپرداخته است. مهرآسا غیبی در در بخش سوم کتاب هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی (۱۳۸۵) به پوشاک اقوام آریایی (ماد و پارس) پرداخته که در ذیل آن درباره پارچه بافی دروه ساسانیان نیز سخن به میان آورده است. بهمن فریدون پور در کتاب پوشاک در ایران باستان (۱۳۸۶) با ارائه تصویر به تفکیک، لباس هر دوره را مورد بررسی قرار داده است. اما در بین پژوهشگران ایرانی، جلیل ضیاءپور موقعیت خاصی و ممتازی در زمینه پژوهش در پوشاک دارد. کریستن سن (۱۳۷۲) در کتاب ایران در زمان ساسانیان، اطلاعات بسیار سودمندی درباره طبقات چهارگانه مشاغل و پوشاکی که در آن طبقات وجود داشته، ارائه می‌دهد. همچنین، کتاب سیر هنر در ایران (۱۳۸۷) آرتور پوپ و فیلیس اکرمین به پارچه‌های دوره ساسانیان اشاره داشته است.

۳. پوشاک دوره هخامنشی

تاریخ لباس‌هایی که پارسیان می‌پوشیدند مبهم است و مورد بحث فراوان قرار گرفته (گرشویچ، ۱۳۸۴: ۷۹۵). در اینکه لباس مردم دوره هخامنشی از یک یا دو تکه

که در سال ۱۹۷۲ در شوش یافت شده چنین لباسی را به تن دارد.

۲-۱-۳. دامن

دامن بسیار فراخ و پرچین بود. گاهی این چین‌های عمودی فقط در جلوی دامن قرار گرفته که به دامن راست‌چین معروف است. نوع دیگر از دامن را دو راسته چین یا دو چینه می‌گفتند (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۳۰). ایجاد این دسته چین‌های عمودی در جلوی دامن، علاوه بر دادن زیبایی در اصل به منظور فراخ کردن دامن بوده است (ضیاءپور، بی تا: ۲۳). لباس پرچین هخامنشی با همه زیبایی و شکل بودن برای رفتارهای پرتحرک و لباس کار مناسب نبود (رجبی، ۱۳۸۱: ۳۳۸/۳) (شکل ۲).

۳-۱-۳. پیراهن

در میان نقوش فراوان تخت جمشید بالاتنه‌ی لباس وضعی پیچیده دارد. ساده‌ترین وضع این قسمت از لباس، ردایی جلو بسته که در بالای خود حفره‌ای برای در آوردن سر از آن دارد است که این بخش بالاتنه بدون چروک و صاف تراشیده و یقه سه گوش دیده شده است (ضیاءپور، بی تا: ۴۸).

تامپسون به نقل از اریک اشمیث در بررسی وسیع خود در تخت جمشید لباس دو تکه پارس‌ها را "کندیز"^۱ نامیده است. کندیس با بندهایی بسته و یا دور سینه پیچیده می‌شد و اغلب دارای حاشیه خز دار بود و احتمالاً از پوست سگ آبی به عنوان خز، استفاده می‌شد

(تامپسون، ۱۳۸۱: ۳۸۳). کندیس مردان بلند پایه بنفش مایل به آبی با تزئین‌هایی با رنگ سفید و نقره‌ای داشت و کندیس گروه‌های اجتماعی پایین‌تر، سرخ رنگ بود که این رنگ قرمز ساردی نام داشت.^۲ بعدها کندیس جای خود را به کتی داد که روی شلوار پوشیده می‌شد و به‌طور یقین منشاء کت و شلوارهای امروزی مردان است. ارخالتق روستائیان ما همان کت است (کاکس، ۱۳۷۶: ۵۴). یونانی‌ها به تن پوش‌های زیرین تونیک و کیتون می‌گفتند که به فارسی ساراپیس است.

۴-۱-۳. شنل

روی لباس ردا پوشیده می‌شد ردهای ایرانی با بافتی محکم و پوشیده از پولک، بسیار گران‌بها بودند (رجبی، ۱۳۸۱: ۳۳۹/۳). پارسیان روی کندیس‌های خود هنگام سرما نیم تنه شنل ماندی می‌پوشیدند که تنها قسمتی از جلوی آن بسته بود. آستین‌ها آزاد تا مچ دست را می‌پوشاندند (غیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

۵-۱-۳. کت آستین دار بلند

یک کت بلند چسبان است با آستین‌های بلند که هر دو طرف آن به‌طور اریب بریده شده تا برای سواری مناسب باشد. جنس کت چرم با لبه‌های پشمی بود و از نظر رنگ و تزئینات به نظر می‌رسد به شرق ایران تعلق داشته باشد. کت آستین کوتاه (خفتان) که از موی سیاه و یا از نمد سفید نازک تهیه می‌شد و با چرم‌هایی زینت داده می‌شد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۷۳۲).

1. kandiys

2. Sardian red

۳-۱-۶. شلوار

دوست، ۱۳۸۷: ۲۹). البته هنگام نبرد گوشه‌های دامن را بالا زده به طوری که قسمتی از ران و ساق پاهایشان از زیر دامن پیداشود و این خود نشان دهنده این است که آنها شلوار کوتاهی به پا می‌کردند که قسمت بالای ران را پوشانده است (غیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

۳-۱-۸. کمر بند

پارسیان بر روی کندیس خود کمربندی از چرم می‌بستند که به روی شکم گره می‌خورد و قبا را برتن پوشانده ی آن راست و استوار می‌کرد (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۳۲). کمر بند پادشاه طلایی بود و به سبک زنان پوشیده می‌شد (احتمالاً گره زده می‌شد تا این که مانند کمر بندهای مردانه بسته شود) و غلاف خنجر توسط کمر بند نگاهداشته می‌شد (غیبی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

۳-۱-۹. پوشش سر، کلاه

کلاه در دوره هخامنشی از اهمیت خاصی در پوشش برخوردار بود. انواع گوناگون کلاه نشانگر اصل و نسب و رتبه و مقام افراد بود. بر اساس نقوش برجسته تخت جمشید گونه‌های مختلف پوشش سر در این زمان عبارت بود از:

الف - پیشانی بند که به صورت نواری برای نگهداری موها دور سر بسته می‌شد که در دور سر سربازان گارد شاهی در نقش برجسته کاخ داریوش دیده می‌شود (ذکاء، ۱۳۴۲: ۱۸). ب- سربند مدور که توسط ایلامی‌ها و سربازان پارسی پوشیده می‌شد. ج- پیشانی بند با عرض بیشتر با طرح گلدار که حضار در مجلس شاه و گروهی از سربازان به سر دارند. د- سربند

برای دوره‌های پیش از هخامنشیان وجود هیچ نوع شلواری قابل اثبات نیست ظاهراً به جای شلوار، چکمه ای پوشیده می‌شد که مانند کفش بند دار، گره ای در قسمت جلو داشت (رجبی، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۳۸). ایرانیان این دوره از شلوارهای گوناگون استفاده می‌کردند ویژگی‌های جالب این شلوارها رنگین بودن آنهاست و یونانیان آنان را «آناکسی ریدیس»^۴ نام نهاده بودند. البته یونانیان همیشه شلوارهای چرمی ایرانیان "آناکسی ریدیس" را به تمسخر می‌گرفتند و اسکندر از پوشیدن آن امتناع می‌کرد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۵۹). احتمالاً شلوار همه هخامنشیان که در نگاره‌های تخت جمشید به چشم می‌خورد بافتی نقش دار و رنگارنگ است (رجبی، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۳۹). در نقوش تابوت سنگی اسکندر واقع در استانبول، ایرانیان ملبس به شلوارهایی زیبا با رنگ‌های آبی، زرد، بنفش و قرمز و گاهی مزین به نقش مایه‌های گلدار به تصویر کشیده شده‌اند (متین، ۱۳۹۱: ۱۹).

۳-۱-۷. لباس زیر

مردان پارسی در زیر لباس فراخ و پر چین شان، لباسی سفید که شامل یک نیم شلواری سفید (شورت کوتاه) و یک پیراهن سفید چسبان می‌پوشیدند که از پارچه سفید و نرم بود. البته همیشه زیر شلواری سفید نبود. طبق نوشته گزنفون در وصف لباس کوروش در پرستشگاه بابل می‌نویسد: «کوروش یک نیم شلواری در زیر قبایش پوشیده بود که رنگی تند داشت» (رنج

4. anaxy rides

شایان توجه‌ترین مدرک به دست آمده از لباس زنان هخامنشی، لباس‌های واقعی پیدا شده در مقبره پازیریک است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۶۴).

۱-۲-۳. لباس چین‌دار

این لباس عبارت از بالاپوش (شبه شلی کوتاه در دو نوع جلو باز و جلو بسته) و یک دامن پرچین بوده است. چون زنان پوشاک مردان را می‌پوشیدند لازم بود میان پیراهن مادران، (جهت تغذیه نوزاد) شکافی داشته باشد (ضیاءپور، بی تا: ۶۵). ساختار لباس زنان و مردان همانندی بسیاری باهم داشتند و گویا تفاوت این لباس بیشتر در رنگ پارچه‌ها و آرایش‌ها و زیورهای آنان بوده است. بالاپوش جلو بسته دارای یقه ای به شکل ۷ بود قسمت پایین در جلو آزاد و در قسمت کمر، کمر لیفی چون کمر بند دور کمر را می‌گرفت و بر سر شانه درزی بود که تکه ی پشت در آنجا به جلو وصل می‌شد. تکه جلویی آن قدر دراز بود که پس از وصل شدن به تکه ی پشتی (در سرشانه) مابقی آن در دو طرف به سوی پشت سرانبر شده به پهلوهای تکه پشتی دوخته می‌شده و نرسیده به لیفه ی کمر پس از چهار رج چین‌دار شدن و رسیدن به کمر لیف سر بقیه ی پارچه در هر طرف در داخل لیفه کمر دوخته می‌شد (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۶۹).

۲-۲-۳. دامن

دامن لباس زنان هخامنشی دو گونه بود یک راسته چینی و دو راسته چینی. یک راسته چینی، دامنی بود که در جلو بدن و از قسمت ناف، دارای یک راسته چین مرتب چهارتایی و دو پهلو پارچه دامن که

ابریشمی که با نخ دور سر بسته می‌شد که در تندیس مصری داریوش دیده می‌شود (شاپور شهبازی، ۱۳۴۹: ۷۲۶). ه - کلاه ساده استوانه ای از نوع کوتاه و بلند که ظاهراً کلاه ملی محسوب می‌شد، هر دو به قول هرودوت تیارا خوانده می‌شد (۱۳۸۹: کتاب هفتم، بند ۶۲، ۷۸۴). تیارا از جنس نمد، چرم یا ابریشم بود و سر، گردن، گوش‌ها و چانه را می‌پوشاندند (استرابون، ۱۳۸۲: کتاب پانزدهم، فصل ۳، بند ۱۵) (شکل ۳).

۲-۳. پوشاک بانوان

مدارک اندکی در مورد پوشاک زنان و جود دارد این کمبود به دلیل شباهت لباس مردان و زنان است. از سوی دیگر، زنان بلند مرتبه و زنان معمولی که هر دو فعالانه در زندگی با مردان شرکت داشتند اغلب کارهای مشابهی انجام می‌دادند و نیز لباس‌های یکسان می‌پوشیدند به عنوان مثال، تصویر زنانی که در فرش پازیریک نقش شده است به جز تاج بانوان دربار، به نسبت خادمان، نمی‌توان فرقی بین آنها گذاشت. در تصویری که در بخشی از نقش برجسته مکشوف در استانبول به دست آمده زنی را می‌بینیم در حالی که بر قاطر سوار است و در زیر یک حجاب بلند که تا زیر قوزک پایش کشیده شده و روی آن یک تونیک نیمه بلند آستین کوتاه در بر دارد. در دوره هخامنشیان زمانی که ملکه به همراه پادشاه، هیات نمایندگان زن رابه حضور می‌پذیرفتند او نیز مانند شاه تاج بر سر می‌گذاشت. زنان و مردان در زمان هخامنشیان دارای تزئینات مخصوص خود بودند (بیانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

پارچه بیشتری به کار رفته و تفاوت را می‌توان از تزئینات کنار لباس و نقش آسترها تشخیص داد. این خانم‌ها روی تاج کنگره دار خود چادری کشیده‌اند (رجبی، ۱۳۸۱: ۳/۳۴۳). نمونه زیبایی از نقش مهری امروزه در موزه لوور نگهداری می‌شود. ظاهراً مجلس بار در تخت جمشید مدل این مهر است که زن روی تاج چادر کشیده است. زنی نشسته روی یک صندلی و پاهای خود را روی چهارپایه ای گذاشته و گل نیلوفری به دست گرفته است لباس او مانند لباس هخامنشیان است و با لباس زنان تاج دار در فرش پازیریک همانند است (کخ، ۱۳۷۷: ۲۸۳).

۳-۴. پوشاک شاهان

نزد پارسیان باستان مهم ترین نشانه های ظاهری مقام شاهی عبارت بودند از: تاج، لباس های فاخر، تخت، دپوس و آسمانه ی تخت (هیتس، ۱۳۹۲: ۲۶۳). لباس شاه در پیکرتراشی های پاسارگاد با تار زر حاشیه دوزی شده حال آنکه لباس های سلطنتی در تخت جمشید با طرح های نقاشی شده به تقلید، تکه دوزی شده با طلا یا گلدوزی آراسته هستند (گرشویچ، ۱۳۸۴: ۷۹۶/۴). لباس دربار شاه بدون شلوار بوده و به این ترتیب پاها برهنه بودند. شاه بالباس درباری با پاهای بدون جوراب کفش های چرمی می پوشید که برگرفته از ایلامی ها بود (هیتس، ۱۳۹۲: ۶۷).

۳-۴-۱. تیارا

تیارا / کیداریس ترجمه واژه ایرانی karpasa به معنی کلاه (شاپورشه‌بازی، ۱۳۴۹: ۷۲۷) به صورت عمامه ای آبی رنگ و سپید گون بر گرد سر پیچیده می شد

گرداگرد نیم تنه پایین بدن را می پوشاند، به دو پهلو، چین دار دوخته می شد و دامن در پشت دارای چین های کج فراوانی می شد و شکل زیبایی به خود می گرفت (آقا حسین شیرازی، ۱۳۸۲: ۵۵ و ۶۰). دو راسته چینی دامنی همانند دامن یک راسته چینی بود، اما در جلوی بدن به جای یک راسته چهار لایی، دو راسته چین چهار لایی داشت و به وسیله یک پارچه با چین های افقی در وسط که از بالا تا پایین به آنها وصل است از همدیگر فاصله می گرفتند (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۲۸ و ۳۰).

۳-۲-۳. چادر

در این جا برای اولین بار پوششی مانند چادر مطرح می شود که پوشش چادر مانند در فرش پازیریک به صورت پارچه ای با حاشیه دوزی زیبا آویزان از پشت تاج خانم های هخامنشی دیده می شود (غیبی، ۱۳۸۸: ۳۸). زنان این فرش لباس هایی همانند دارند و تنها تفاوت تاج های شاه بانوها با تاج های دو زن دیگر، وجود پارچه نازکی مانند چادر روی تاج شاه بانوهاست (پوربهمن، ۱۳۸۶: ۷۴). لباس زنان بلند تا قوزک پا و گاهی فراخ، پیراهن های ساده تا پایین ساق پا به صورت ساده یا ریشه دار با آستین های بلند و کوتاه، روسری یا سراندازهای بلند که بیشتر برای مراسم مذهبی بوده است (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۳۳).

نقوش موجود بر فرش پازیریک نشانگر لباس زنان درباری شامل کیتونی پر حجم و پرچین بود که گاه تن پوشی نظیر چادر امروزی نیز بر روی سر و گردن خود می آویختند (متین، ۱۳۹۱: ۲۱). در نقش پارچه پازیریک برای لباس خانم ها در مقایسه با لباس ندیمه ها

شناخته شده آپادانا به تن دارند. و از این رو ممکن است برای لباسی نظامی راهنمای بهتری باشند (هد، ۱۳۹۱: ۱۶). استرابون به نقل از کتاب یازدهم می گوید: «آنها به سپرهای سبکی لوزی شکل و تیر و تیر مسلح‌اند و شمشیر و خنجر دارند. کلاهی برج مانند بر سر می‌گذارند و سینه بندهای آنان با فلس‌های آهنین پوشیده است. لباس فرماندهان آنان شلواری سه لا و نیمه تنه ای دو رویه است که آستین‌های بلند آن تا زانو می‌رسد. لباس زیرین آنها سفید رنگ و لباس رویی با رنگ‌های گوناگون است. در تابستان شنلی ارغوانی رنگ یا رنگین می پوشند. اما در زمستان تنها شنل رنگین بر دوش می‌اندازند همه تیر و کمان و فلاخن دارند» (استرابون، ۱۳۸۲: ۵۴).

هرودت در بند ۱۳۵ از کتاب اول می گوید: «پارس‌ها جوشن را از مصری‌ها اقتباس کرده بودند که به نظر می‌رسد از کتان لایه‌دو‌زی شده بوده است» (هرودت، ۱۳۸۹: ۱۶۵). اما در عمل اندکی از آن‌ها از این جوشن بر تن داشتند و بسیاری محافظان غیر فلزی سبک‌تر داشته یا اصلاً زرهی نداشتند فرماندهان ایرانی کیتونی سفید زیر یک کیتون رنگارنگ به همراه سه عدد شلوار چرمی می‌پوشیدند که در اصل قسمتی از لباس سواره نظام را تشکیل می‌داده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۵۷). در هنگام نبرد سربازان ایرانی نوعی باشلق بر سر داشتند. این باشلق را می‌توان بر سر داریوش در موزائیک اسکندر که از پمپی به دست آمده مشاهده کرد (هد، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

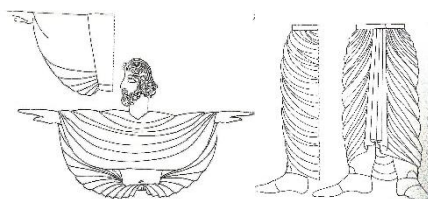
(مشکور، ۱۳۵۶: ۴۹). کلاه تیارا مخصوص شاه و ولیعهد بود. هیچ کس حق استفاده از آن را نداشت و استفاده از آن به منزله شورش ضد شاه بود (گزنفون، آناباسیس، کتاب ششم، فصل سوم، بند ۲۹). در میان هدایایی که خشیر (شا) جهت جلب دوستی مردم «آبدارا» به آنها بخشید یک تیاری طلا دوزی شده بود (هرودت، ۱۳۸۹: ۹۴۵). تیاری شهریاری نوک تیز نبود این تاج بیشتر شبیه کلاه سیلندری بی لبه بوده و بلندی آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر بوده است. این تاج دریاری که شاه هنگام بار بر سر می‌نهاد احتمالاً از نمد صاف بوده و از بیرون پوششی از طلا داشته و بالای آن باز بوده است (هیتس، ۱۳۹۲: ۲۶۴). نوک کلاه تیارا به صورت عمود و مزین به قطعات زینتی بود. پوشیدن تیاری راست، آنگونه که در موزائیک ایسوس نشان داده می‌شود. نشان ویژه خاندان سلطنتی بود هنگامی که بسوس داریوش را کشت و خود را شاه خواند، تیاری با تارکی راست همچون سبک شهریاری را برگزید (هد، ۱۳۹۱: ۴۳).

۳-۵. پوشاک نظامیان

نگاره‌های کاخ‌های شاهنشاهی، نقوش برجسته تخت جمشید و کاشی‌های لعاب‌دار شوش، پاسداران دربار را نشان می‌دهد. تخت جمشید همچنین لباس سربازان ملل تابع ایران را نشان می‌دهد سنگ‌نگاره‌های شاهی نشان دهنده اتباعی هستند که اورنگ شهریاری را بر دوش دارند و بیش تر آنان مسلح هستند و برخی لباس‌هایی ساده تر از همگان خود در نگاره‌های بهتر



شکل ۱. جزئیات لباس مردان هخامنشی بر اساس نقوش تخت جمشید (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۴۴ و ۴۷).



شکل ۲. طرح بالا پوش و دامن مردان هخامنشی (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۳۹ و ۴۶).



شکل ۳. عکس و طرح انواع کلاهها و سرپوش های هخامنشی (کخ، ۱۳۷۷. ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۶۵).



شکل ۴. طرح جزئیات پوشاک زنان هخامنشی (ضیاء پور، ۱۳۴۳: شکل های ۷۶ و ۷۷).

۴. پوشاک دوره ساسانی

دیواری می دید. مضمون تصویرها بیشتر صحنه شکار، تاجگذاری شاهان، انجام تشریفات مذهبی، ضیافت، خنیاگران و رامشگران، مراسم اعطای منصب، گل‌ها و پرندگان است (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۳۲). از زمان شاپور

طرح و نقوش لباس مردم ساسانی را بر پهنه حجاریهای تاق بستان و وسنگ‌نگاره‌های فارس (شکل ۵) و بر ظروف سیمین و زرین، مهرها، گچ بری‌ها و نقاشی‌های

۲۰۵). ج- پیراهن با دامن نیم‌دایره (رو به پایین)- پهلو چاک دارکه حاشیه دوزی دامن در چاک های آن ادامه دارد. مثل نقش برجسته مرد فیل سوار در تاق بستان (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۵۰).

د - پیراهن با دامن نیم‌دایره (رو به پایین) که هریک از گوشه‌های نیم‌دایره در دو طرف با برشی مورب به پهلوها منتهی می‌گردد (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

ه- پیراهن ساده جلو باز که لبه های جلوی آن روی هم قرار گرفته است و به عبارتی یک تونیک چهار ترک جلو باز که در فاصله کمر تا باسن برودری دوزی شده است (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۹۹).

و- پیراهن عمومی با دامن ساده بدون پیلی یا پیلی هایی در پهلو و جلوی دامن. از این پیراهن احتمالاً مردان عادی استفاده می‌کردند (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۰۷). بالاتنه تمام پیراهنها از شانۀ و یقه ساده برش داده شده و یا یقه از شانۀ راست اریب وار به پهلو چپ رسیده و آستین تونیک‌ها تنگ بوده است (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۵۱) (شکل ۶).

۲-۱-۴. ارخالق (کت کوتاه)

در نقوش تاق بستان و بشقاب های نقره باقی مانده از دوره ساسانی کت کوتاه دیده می‌شود که ارخالق نام داشت. ارخالق پوششی است آستین بلند با یقه های ساده- جلو باز که تا زیر پستانها بلند بود و دولبه دو طرف آن به وسیله دگمه‌ای به روی سینه به هم قلاب می‌شد (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۲۷) و سرآستینها وسجاف با نواری پهن تزئین یافته است (پوربهمن، ۱۳۸۶: ۲۰۱) (شکل ۷).

اول، تحت تأثیر هنر غربی، طریقه‌ای جدید در لباس پدید آمد. سابقاً شکل بدنی که لباس آن را می‌پوشاند نامعلوم بود. در این زمان برعکس، لباس قالب بدن بود که در نقش برجسته غلبه شاپور بر والرینوس در بیشاپور می‌توان مشاهده کرد (گیرشمن، ۱۳۷۴: ۳۹۵).

۴-۱. پوشاک مردان

بیش از ۲۷ نقش برجسته مربوط به صد تا صدوپنجاه سال اول پادشاهی ساسانیان در استان فارس و تعدادی در تاق بستان کرمانشاه و نقش برجسته های ظروف نقره ای باقی مانده از این دوره در موزه آرمیتاژ، لوور پاریس، مترو پولین نیویورک وجود دارد که اطلاعاتی در مورد پوشش دوره ساسانی به ما می‌دهد (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۰۳). بر اساس شواهد پوشاک ساسانی شامل پیراهن، ارخالق، شنل و شلوار است.

۱-۱-۴. پیراهن

پیراهن در این دوره از تنوع چشمگیری (در مدل دامن) برخوردار است. این تنوع مدل در دامن تونیک ها به دلیل نمایاندن مقام افراد و یا راحتی و جنگ و سواری لحاظ می‌شد (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۰). پیراهن‌ها با توجه به شکل دامن و تزئینات آن به چند شکل تقسیم می‌شد: الف - پیراهن با دامن گرد - پهلو چاک دار و تزئین یافته با نوارها مانند) طرح پیراهن نقوش برجسته تاج‌گیری اردشیر در تاق بستان) در این لباس حرکت پا در هنگام سواری و شکار راحت است (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۱۶). ب - پیراهن با دامن ترک‌دار که در پهلوها و جلوی دامن پیلی هایی مشاهده می‌شود و در مواقع رسمی استفاده می‌شده است (غیبی، ۱۳۸۸:

۳-۱-۴. شنل

ساسانیان اغلب شنلی کوتاه استفاده می‌کردند که نصف تن را در پشت می‌پوشاند و برشانه می‌افکندند و دوسر آن با دو دگمه بزرگ قلاب می‌شده و نمونه آن در نقش رجب بر دوش شاپور اول دیده می‌شود (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۴۱) (شکل ۷).

۴-۱-۴. شلوار

از نقوش برجسته بشقاب‌های نقره به نظر می‌رسد که شلوار مردان ساسانی - که به شلوار پارت‌ها شباهت دارد - از برش و طرح کامل تری برخوردار است. در این دوره شلوار در قسمت پهلو روی چین با نوار مواج تزئین شده است. تونیک روی شلوار را می‌پوشاند (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۱۸). لنگه‌های شلوار دارای کمر گشاد نیست بلکه اندازه کمر آن معمولی بوده فقط از راه درز گرفتن لنگه‌های شلوار است که چین‌های بر روی هم ریخته آن به وجود می‌آید (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۴۷) (شکل ۷).

۵-۱-۴. کلاه

کلاه معمولی در برخی مواقع از جنس نمد بوده و شکل آنها گرد است و سه نوع بلند، کوتاه و کوتاهتر دارد و بر دور لبه آنها نواری با دنباله دراز در پشت می‌بستند. گاهی در پشت کلاه ضمیمه‌ای از جنس خود آن برای حفاظت پشت گردن تعبیه می‌شده است (ضیاءپور، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۱۸) (شکل ۷).

۲-۴. پوشاک بانوان

به نظر می‌رسد لباس بانوان شبیه لباس مردان بوده فقط تونیک آنان بلندتر بوده و حاشیه قلاب دوزی چاک‌های

آن از مشخصه تونیک بانوان دوره ساسانی بوده است (شکل ۷).

۱-۲-۴. پیراهن

از تصاویر ملکه‌ها و بانوان درباری که در نقوش برجسته تاق بستان و نقش رستم و نقش رجب و برم دلك و سرمشهد دیده می‌شود و نقوش ملکه‌ها روی سکه‌های ساسانی می‌توان استنباط کرد که زنان، روباز بوده‌اند و حجاب و چادر به طوری که بعد از اسلام در ایران رایج شد، برای آنان معنا نداشت (سامی، ۱۳۸۹: ۲ / ۸۷).

در موزائیک کاخ شاپور یکم در بیشاپور مجموعه تصاویری است که یک مجلس ضیافت را نشان می‌دهد که بانوان درباری لباس بلند پوشیده‌اند و بانوی نوازنده چنگ نیمه برهنه است (تحت تأثیر هنر رومی) و پارچه‌ای مانند چادر به رنگ آبی روی بدن کشیده و موهایش با روبان مواج تزئین شده است (دادور و نشاط، ۱۳۹۰: ۸۴). در قطعه هشتم موزائیک، پوشش زن نوازنده را نشان می‌دهد که یک پوشش (شال یا شنل) سبز روشن دو رنگ است که روی شانه وی افتاده است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۲ / ۵۳).

در نقش برجسته زن نوازنده در شکار گراز خسرو پرویز در تاق بستان، لباس نوازندگان چنگ، سر آستین‌ها شکل چهارگوش دارد و آنها بالاپوشی روی لباس زیر به تن دارند و یقه کمی شل است. طرح لباس‌های زیر مشخص نیست روی ران لباس نقش گل چهار پروری آستن نقش پرنده تزئین شده است (دادور و نشاط، ۱۳۹۰: ۹۳). براساس شواهد موجود این بانوان پیراهن

بی‌گمان ستاره نمادی است که در آبان یشت روی نوارهای تاج آناهیتا آمده است (رجبی، ۱۳۸۲: ۲۷۲/۵).

۲-۲-۴. شنل

شنل از عناصر مهم پوشاک بانوان ساسانی محسوب می‌شد که شبه چادر بود و بردوش آناهیتا به عنوان مقامی والا و حیات‌بخش در تاق بستان مشاهده می‌گردد (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

۲-۳-۴. شال

بانوان دوره ساسانی علاوه بر شنل، پوششی مانند اشراب روی دوش می‌انداختند که فقط شانه و قسمت سینه و پشت را در حوالی گردن می‌پوشانید (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۲۴۳). همچنین بنا به موقعیت اجتماعی از شال استفاده می‌کردند که روی شانه به صورت مورب می‌انداخته و زیبایی خاصی به بدن می‌داد (رنج دوست، ۱۳۸۷: ۵۵). در قطعات موزائیک نیز شال دیده می‌شود که زن ساسانی همانند ساری (زنان هندی) می‌پوشیده و تا قرن سوم، پوشش‌های پرده مانند زنان نقش و نگار کمی داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۸۵/۲).

۲-۴-۴. چادر

بررسی بشقاب‌های نقره نشانگر آنست که چادر را مانند زنان روستایی دورکمر یا باسن می‌بستند و یا مانند بالاپوش روی دوش خود می‌انداختند و بلندی چادر تا وسط پا می‌رسید (غیبی، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

۲-۵-۴. دامن

طرح بشقاب شاهزاده‌ای در بزم دو زن را نشان می‌دهد که قبایی پوشیده‌اند که تا وسط پا می‌رسد و قبا در جلوی دامن سه چاک دارد که به حساب قرینه‌سازی

خیلی نازک و کوتاه (تا به ناف) پوشیده که کنگره‌هایی در دامن داشته و پایین تنه را نیز چادری فراگرفته و میان بدن برهنه است مانند کوزه یافت شده این دوره که در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۱۱۴). این کوزه که متعلق به قرن پنجم و ششم میلادی است تصویر رقاصی را نشان می‌دهد که لباس از جنس سبک و آستین بلند به تن داشته و بلوزی روی باند کمر پوشیده شده و شال پهن و گشادی از جنس نازک به‌طور مساوی از روی بازویی به بازوی دیگر انداخته است (گلدمن وزیدی و عطایی، ۱۳۷۸: ۳۲). در قطعه پنجم موزائیک بیشاپور، چهار رقاصه هستند که تصویر رقاصه چهارم بهتر حفظ شده است این بانو یک پیراهن بلند به رنگ قرمز خرمایی رنگ به تن دارد و چینهای دامن به رنگ روشن مات است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۵۳/۲). از مقایسه نقوش سنگی آناهیتا با نقوش دیگر به نظر می‌رسد که بانوان این دوره پیراهن بلند و پرچین می‌پوشیدند و گاهی آن را توسط نواری در زیر پستان‌ها جمع کرده می‌بستند. این پیراهن بلند و پرچین، آستین بلند دارد که در حالت پوشیده چین‌های زیاد و نامرتب پیدا می‌کند و گاهی نیز آستین کوتاه داشته مانند بانوی بادبزن به دست در نقش‌های موزائیکی بیشاپور، یقه معمولاً گرد بوده ولی یقه جلو باز هم داشته‌اند (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۱۱۱). همچنین، در نگاره دیهیم‌ستانی خسرو پرویز در تاق بستان، شنل آناهیتا مانند لباسی از چرم سنگین است و پیراهن زیر وی با چین‌های عمودی و موازی به روی پاها و زمین افتاده و شنل وی با عنصر ستاره نقش‌اندازی شده است.

می‌شود. یراق خسرو با نواریهایی از منجوق و سنگهای قیمتی مربع شکل، گرانباترین آنها محسوب می‌شد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۹۶).

در نقش برجسته اهدای منصب پادشاهی اردشیر اول که در تاق بستان تراشیده شده، لباس شاه تونیک آستین بلند با مچ‌های تنگ پوشیده که قد آن تا زانو می‌رسد، سنجاق یا روبان‌هایی هرگوشه آن را تا وسط ران بالا آورده و به پائین آن شکلی گرد داده است، که این ترکیب بسیار ظریف برای سوار شدن بر اسب مناسب بوده است. روی تونیک ارخالق همیشگی که حاشیه پهن آن یک سری نقش خال مانند دارد که با دور یقه مثلثی شکل تناسب دارد و شلوار گشاد که به وسیله حلقه‌هایی به قوزک پا فشرده شده است دیده می‌شود (پوربهمن، ۱۳۸۶: ۱۸۷ و ۱۸۸). لباس سلطنتی در اواخر قرن چهارم میلادی دستخوش تغییراتی شد حاشیه تونیک در طرفین با روبان یا حلقه‌هایی جمع شده و قطعه‌ای گرد شبیه پیش بند در جلو ایجاد شد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۹۹). خفتان‌های شاه با جواهرات و طرح‌های زیاد از گل و پرندگان و حیوانات پوشیده شده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). خفتان ابریشمی با نقش سیمرخ در دوایر محصور متعلق به سده ۹ میلادی در منطقه بالکان در قفقاز شمالی بدست آمده که تقریباً همان تن پوشی است که خسرو پرویز در صحنه شکار گراز به تن دارد (ریاضی، ۱۳۸۲: ۳۰).

۴-۴. پوشاک نظامیان

سواره نظام قسمت عمده سپاه ساسانی را تشکیل می‌داد و به دو گروه سواران جاویدان که یادگار دوره

گرداگرد آن باید ۶ چاک داشته باشد و دوره دامن حاشیه بسته‌اند (دادور و نشاط، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

۶-۲-۴. شلوار

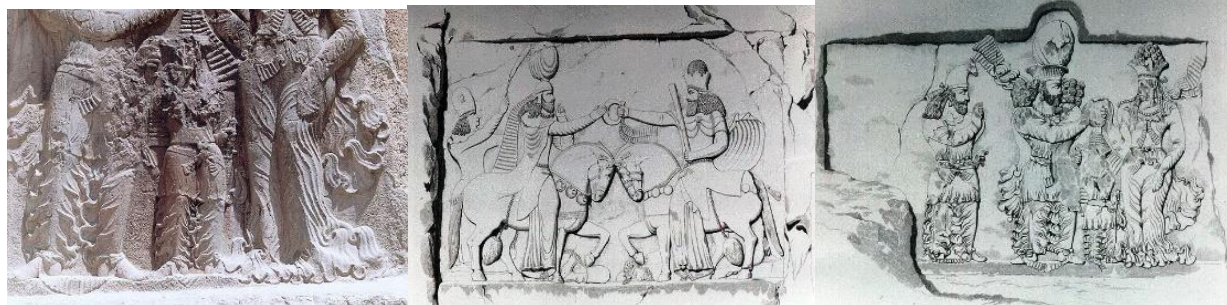
حمزه اصفهانی در کتاب تاریخ پیامبران و پادشاهان نوشته است: «پوران‌دخت دختر پرویز پیراهن سبز منقش به نقوش و شلوار آسمانی رنگ می‌پوشید و آذرمدخت دختر دیگر پرویز پیراهن سرخ منقش به نقوش و شلوار آسمان گون می‌پوشیده است» (۱۳۴۶، ۵۹). در طرح بشقاب که شاهزاده ای را در بزم نشان می‌دهد دو زن مشاهده می‌شود که شلواری چون مردان به پا دارند (دادور و نشاط، ۱۳۹۰: ۱۵۴). فرم شلوار ملکه‌ها از نوع نواردوزی موج بوده است. برش شلوار در این دوره نظیر شلوار اشکانی است. ساق‌های آن بلندتر بوده و به وسیله نوارکشی و چین‌دارکردن آنها در جلوی ساق پا آنها را به اندازه پای هر شخص در می‌آوردند. کمر و دم پای شلوار را لیفه‌ای می‌ساختند و با بند جمع می‌کردند (ضیاءپور، بی‌تا: ۱۲۵).

۳-۴. پوشاک شاهان

شواهد به‌جا مانده مانند حجاری شاپور در نقش رجب و مجسمه وی در دخمه بیشابور و حجاری بهرام دوم در برم دلک اطلاعاتی در مورد پوشاک خاندان سلطنتی به ما می‌دهند که بر اساس آن استنباط می‌شود که لباس پادشاه با دیگر مردم در میزان تزئینات به کار رفته تفاوت دارد. تونیک با لبه‌های مورب منجوق دار که جلوی لبه گریبان، روی هم قرار دارد. تجملی‌ترین شکل یراق در حجاریهای تاق بستان و در تمثال اردشیر دوم، شاپور دوم و سوم و خسرو دوم به وضوح دیده

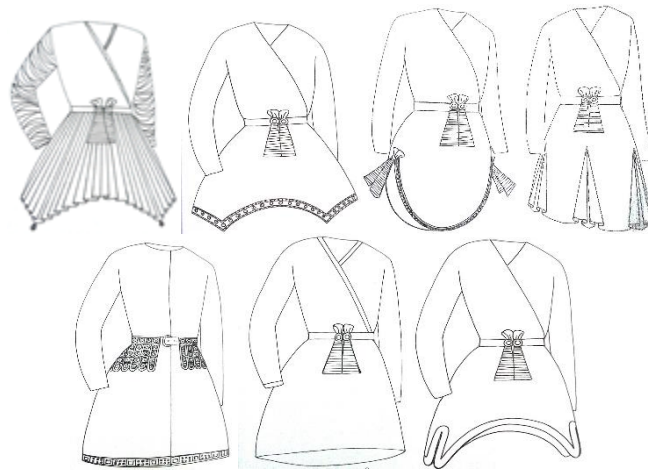
(پوربهمن، ۱۳۸۶: ۱۶۶). ساسانیان در جنگ علاوه بر شلوار زرهی (چرمی یا فلزی) که به صورت حلقه‌های استوانه‌ای می‌پوشیدند از رانپا استفاده می‌کردند که پوششی از چرم بوده که پرچین و دارای درز در جلو، که هرکدام جداگانه و بطور مجزا به هریک از دو پای جنگجو می‌رفت و در محل کمر محکم می‌شد (چیت ساز، ۱۳۹۱: ۱۵). نقش رانپا در نقش رجب و نقش رستم و در بیشابور به تن شاپور اول به خوبی مشهود است (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۲۸۷). بر اساس نقوش برجسته سواران دوره پارتیان زره‌های پولک دار می‌پوشیدند و سواران ساسانی زره‌های زنجیری استفاده می‌کردند (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

هخامنشی بوده و سواران چریک که پادشاهان دست‌نشانده برای خدمت حاضر می‌کردند، تقسیم می‌شد (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۱۷۷). ساز و برگ سواران عبارتست از: برگستوان اسب، جوشن بلند، زره سینه پوش، ران بند، شمشیر، نیزه، سپر مدور، گرز که به کمر بسته می‌شد (کریستن‌سن، ۱۳۷۲: ۴۸۹) (شکل ۸). دریایی بنا به گزارش آمیانوس مارسلنیوس می‌نویسد: در قرن چهارم میلادی، سواران ایرانی زرهی برتن و کلاهخودی برسر داشتند که دوسوراخ برای دیدن داشت (دریایی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). کلاهخودها براساس یک مدل ساخته شده‌اند. یک عرق چین نمدی یا فلزی که بالای آن با پرتزئین یافته است که هر پر درجه اجتماعی و حس زیبا شناختی صاحب آن را نشان می‌دهد

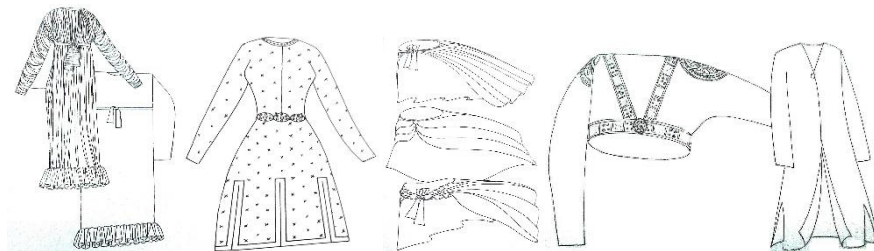


شکل ۵. جزئیات پوشاک اشخاص در عکس و طرح نقش برجسته‌های اردشیر اول و نرسی در نقش رستم فارس

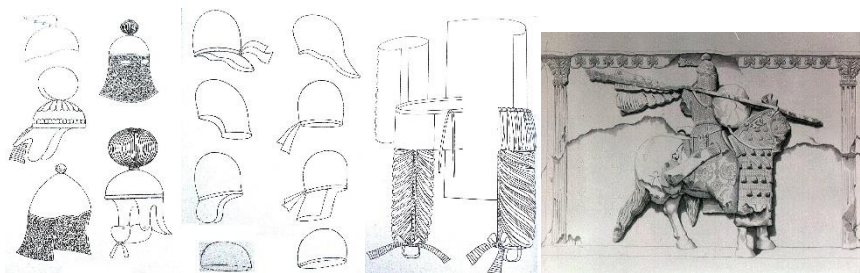
(https://fa.wikipedia.org/wiki/naghshe_rostam)



شکل ۶. طرح انواع پیراهن و قبای مردان در دوره ساسانی (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۲۱۹-۲۳۴).



شکل ۷. از سمت راست: پیراهن زنان، انواع شنل‌ها، قبای ساده و ارخالق دوره ساسانی (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۲۳۶-۲۴۲).



شکل ۸. سوار زره پوش تاق بستان و انواع کلاهخودهای ساسانی با شلوار دوره ساسانی (ضیاء پور، ۱۳۴۳: ۲۹۲، ۳۱۸).

۵. نتیجه‌گیری

نوع فرمانروایانشان در گسترش تجارت جهانی به وجود آمد. بدین‌گونه ایرانیان به زندگانی آسوده دست یافتند و این آسودگی بر طراحی و دوخت جامه‌هایشان و گزینش جامه‌ها تأثیر گذارد. پوشاک پارسی‌ها را بایستی پوشاک ترکیبی نامید. این نوع پوشاک ترکیبی، لزوماً نشانه وابستگی به قومی ویژه نیست، بلکه

جهانگشایی‌های هخامنشان، نه تنها منابع و ثروت عظیمی را برای آنان به ارمغان آورد بلکه موجب آشنایی با فرهنگ‌هایی ملل دیگر و هم آمیزی با این تنوع فرهنگی توسط آنان گشت. تحول حاصله در شیوه پوشش دوران هخامنشیان در اثر ارتباط جهانی آنان و

تاج‌گیری را بر مهرها و سکه‌ها نشان می‌دهند این تصور را ایجاد میکند که طبقات مختلف جامعه ساسانی نقش و رنگ خاص طبقه خود را داشته‌اند و از رنگ‌های درخشان، شفاف، خالص همچون آبی، قرمز، طلایی، سبز و سفید در پارچه‌ها استفاده می‌کردند.

منابع

آقا حسین شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز. تهران: اوستا فراهانی.

آورزمانی، فریدون (۱۳۹۳). هنر ساسانی. تهران: پازینه.

احسانی، محمد تقی (۱۳۶۸). هفت هزار سال هنر فلز کاری در ایران. تهران: علمی و فرهنگی.

استرابون (۱۳۸۲). جغرافیای استرابون، ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: ناشرینیا موقوفات محمود افشار.

بیانی، شیرین (۱۳۸۶). تاریخ ایران باستان. تهران: سمت.

پوربهمن، فریدون (۱۳۸۶). پوشاک در ایران باستان، هاجر ضیاء سیگارودی. تهران: امیرکبیر.

پیرنیا، حسن (۱۳۸۸). تاریخ کامل ایران (از آغاز تا انقراض ساسانیان)، چاپ دوم، تهران: پیمان.

تامپسون، جورجینا (۱۳۸۱). پوشاک ایرانیان در دوران هخامنشی با توجه به نقوش تخت جمشید، ترجمه مژگان سیدین، اثر، (۳۳ و ۳۴).

چیت ساز، محمدرضا (۱۳۹۱). تاریخ پوشاک ایرانیان (از ابتدای اسلام تا حمله مغول). تهران: سمت.

حمزه اصفهانی، حسن (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیاء)، ترجمه جعفر شعار. تهران: چاپخانه خواجه.

نمایانگر لباسی نو است که نظامی جدید را نمایان می‌کند. پوشش مادی‌های قدرتمند و بر سر گذاشتن تاج آنان، از یک سو، ادای احترام به قدرت‌های قبلی و از سوی نشان برتری یافتن به شمار می‌رود. البته استفاده هوشمندانه هخامنشیان از عناصر گوناگون اقوام مختلف، سبب مشروعیت بخشیدن به حاکمیت بیشتر آنان می‌شد و به‌طور ضمنی نشانگر پذیرفتن اقوام گوناگون و شرکت دادن ایشان در شاهنشاهی نیز بود. به‌طور کلی هخامنشیان لباس‌های انعطاف پذیر، گشاد و زیبا را می‌پسندیدند.

در دوره ساسانی با برپا داشتن آئین‌ها و آداب کهن ایرانی، فرهنگ ایران جان دوباره‌ای گرفت و شیوه زندگی مردم که با فرهنگ بیگانگان (سلوکیان) درآمیخته بود کم‌کم رنگ ایرانی به خود گرفت، زندگی نسبتاً راحت شد و اثر آن حتی در پوشاک زنان و مردان نیز نمایان گردید. پیراهن گشاد و پرچین و تقریباً بدون برش هخامنشیان به شکل قبا‌های ترک‌دار درآمد. لباس‌های ساسانی با الهام از دوره هخامنشی و نیز حفظ خصوصیات دوره‌های قبل به تدریج شکل جدیدی پیدا کرد. تاج شاهان ساسانی شبیه تاج داریوش بود؛ با این تفاوت که شاهان ساسانی تاج‌های متفاوتی بنا بر موقعیت‌های مختلف بر سر می‌گذاشتند. تفاوت لباس مردان و زنان در رنگ پارچه و تزئینات یقه و پیش‌سینه بوده است. گسترش و رونق هنر ساسانی به کمک نساجان سوریه و بیزانس و به همت بافندگان داخلی و استفاده از رنگ‌های متنوع و نقوش امکان پذیر شد. نقوش و طرح‌هایی که صحنه‌های مختلف شکار یا

- دادور، ابوالقاسم، نشاط، روشنگ (۱۳۹۰). نقش زن در آثار هنری ساسانیان. سمنان: نشر آبرخ.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲). شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۲). جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان. مجله هنر و مردم، دوره جدید، (۱۵)، ۷-۱۳.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۱). هزاره‌های گمشده (از خشیارشا تا فروپاشی هخامنشیان)، ج ۳. تهران: توس.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۲). هزاره‌های گمشده (ساسانیان)، ج ۵. تهران: توس.
- رنج دوست، شبنم (۱۳۸۷). تاریخ لباس ایران. تهران: جمال هنر.
- ریاضی، محمد رضا (۱۳۸۲). طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی. تهران: گنجینه هنر.
- سامی، علی (۱۳۸۹). تمدن ساسانی، ج ۲. تهران: سمت.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۳). پوشاک دوران مادها و هخامنشیان، پوشاک در ایران زمین. ایرانیکا، ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴). مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: فرزانه روز.
- شیرخانی، منیژه (۱۳۸۱). پوشش زن ایرانی (از ایران باستان تا قاجاریه). اصفهان: بهار علم.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان. تهران: هنرهای زیبای کشور.
- ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۷). پوشاک زنان ایران (از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی). تهران: فرهنگ و هنر.
- ضیاءپور، جلیل (بی تا). پوشاک هخامنشی و مادی‌ها در تخت جمشید. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۸). هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.
- کاکس، ویل، ترنر، روت (۱۳۷۶). تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگ مهر. تهران: توس.
- کخ، هاید ماری (۱۳۷۷). از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی. تهران: کارنگ.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۲). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- گرشوئچ، ایلیا (۱۳۸۴). تاریخ ایران دوره هخامنشیان (کمبریج ۴)، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی.
- گزنفون (۱۳۹۲). کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی. تهران: علمی و فرهنگی.
- گلدمن، برنارد، وزیر، محسن و عطایی، محمدتقی (۱۳۷۸). پوشاک زنان ساسانی. باستان پژوهی، (۵ و ۶)، ۳۹-۴۷.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۸). بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی، ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- متین، پیمان (۱۳۹۱). پوشاک ایرانیان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Amiet, P. (1972). Glyptique Susienne, des Origines à l'époque des Perses Achéménides, Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran (MDP) 43, Paris.

Delougaz, P., & Kantor, H.J. (1996). Chogha Mish: The First five Seasons of Excavations, 1961 – 1971, edited by A. Alizadeh.

[https://fa.wikipedia.org/wiki / naghshe rostam.](https://fa.wikipedia.org/wiki/naghshe_rostam)

ملکزاده، فرخ (۱۳۷۵). نقوش زن در هنر هخامنشی.

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۶(۱).

هد، دانکن (۱۳۹۱). ارتش ایران هخامنشی، ترجمه

محمد آقاجری. تهران: ققنوس.

هرودت (۱۳۸۹). تاریخ هرودت، ترجمه مرتضی ثاقب

فر. تهران: اساطیر.

هینتس، والتر (۱۳۹۲). داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز

رجبی. تهران: ماهی.